



اعجاز قرآن

اعجاز قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی، کلام اسلامی و ادبیات عرب است که به دلایل معجزه بودن قرآن می‌پردازد که در بین متکلمان به عنوان روشن‌ترین دلیل پیامبری حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌آله) مطرح است.

فهرست مندرجات

- ۱ - دیدگاه علامه طباطبایی
- ۲ - وجه تمایز قرآن نسبت به سایر معجزات
 - ۲.۱ - قرآن بدون مرز زمان و مکان
 - ۲.۲ - معجزه روحانی
 - ۲.۳ - معجزه‌های گویا
- ۳ - نظرات مختلف علما در علم قرآن
 - ۳.۱ - دیدگاه اول
 - ۳.۱.۱ - نمونه‌ای از آیهات
 - ۳.۱.۲ - نظر غزالی و سیوطی
 - ۳.۲ - دیدگاه دوم
 - ۳.۲.۱ - نظر به معتقدین این دیدگاه
 - ۳.۲.۲ - قول ابواسحاق شاطبی
 - ۳.۳ - دیدگاه سوم
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی (رحمة‌الله‌علیه) برای مشخص کردن اینکه چه چیزی از قرآن معجزه می‌باشد، نظر ایشان را بیان می‌نمایم. ایشان می‌فرمایند: «قرآن کریم تنها از راه فصاحت و بلاغت، افراد را دعوت به مبارزه نمی‌کند، بلکه از جهت معنی نیز پیشنهاد معارضه می‌نماید.»^[۱] طباطبایی، سید محمّد حسین، شیعه در اسلام، ص ۹۵.

آنگاه استاد علامه با استفاده از آیهی شریفی «افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیهِ اختلافاً کثیراً»^[۲] نساء/سوره ۴، آیه ۸۲.

(آیا در قرآن تنبیر و تأمل نمی‌کنند؟ در حالی که اگر از جانب غیر خدا بود، در آناز جهت لفظ و معنا- اختلاف فراوان می‌یافتند.)
به یک نکته‌ی ظریف که هم بر اعجاز قرآن دلالت دارد و هم بر عدم تناقض و تضادّ و تحریف آیهات آن در طول تاریخ، اشاره کرده و فرموده‌اند: «قرآن کریم از راه دیگر نیز تحدی می‌کند، و آن این است که این کتاب، تدریجاً با شرایطی کاملاً مختلف و گوناگون از گرفتاری و آسودگی و جنگ و صلح و قدرت و ضعف و... در مدت ۲۳ سال نازل شده است، اگر از جانب خدا نبود، و ساخته و پرداخته‌ی بشر بود، تناقض و تضادّ بسیاری در آن پدید می‌آمد و ناگزیر، آخر آن از اولش بهتر و مترقی‌تر بود؛ چنانکه لازمی تکامل تدریجی بشر همین است؛ و حال آنکه آیهات مکی آن با آیهات مدنی، یکنواخت می‌باشد؛ و آخرش از اولش متفاوت نیست.»^[۳] طباطبایی، سید محمّد حسین، شیعه در اسلام، ص ۹۷.

آیهات تحدی به اشکال متفاوت آمده که در آن‌ها تحدی به همی قرآن، به ۱۰ سوره و... صورت پذیرفته مانند: «کافران می‌گویند محمد قرآن را از پیش خود آورده است، بگو اگر راست می‌گویند، شما هم هر کس جز خدا را که می‌توانید، به یاری طلبید و ده سوره مانند قرآن بیارید.»^[۴] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۳.

که علامه طباطبایی می‌فرماید: «آنچه در تحدی‌ها از دشمن خواسته شده این است که کلامی همانند قرآن، با تمامی ویژگی‌های موجود در آن، بیآورد؛ یعنی کلامی که صفت برجسته‌ی معنوی قرآن را به انضمام فصاحت و بلاغت لفظی آن دارا باشد.^[۵] طباطبایی، سید محمّد حسین، اعجاز قرآن، ص ۱۶.
و در ادامه می‌فرماید: «کسانیکه آشنایی به زبان عربی دارند هرگز نمی‌توانند تردید کنند که لهجه‌ی قرآن، لهجه‌ی شیوا و شیرینی است که درک انسان را از زیبایی خود مبهور و زین

را از وصف آن الکن و زبون می‌سازد. نه شعر است و نه نثر، بلکه اسلوبی است و زرای هر دو که جنبه و کششی مافوق شعر و روانی مافوق نثر را دارد... سازمان وسیع معارف اعتقادی و اخلاقی و قوانین فردی و اجتماعی اسلام که اصول و کلیات آن در قرآن است، تنظیم غیر قابل خدشه، و تضاد و تناقض‌ناپذیر آن، از عهده بشر بیرون است، خاصه به دست کسی که در شرایطی همانند شرایط زندگی پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله) قرار گرفته باشد»

[۶] طباطبایی، سید محسن، قرآن در اسلام، ج ۱، ص ۱۷۷.

وجه تمایز قرآن نسبت به سایر معجزات

به طور کلی این کتاب ۳ امتیاز بر تمام معجزات پیامبران پیشین و حتی سایر معجزات خود پیامبر اسلام دارد:

← قرآن بدون مرز زمان و مکان

کارهای اعجاز آمیزی که از پیامبران پیشین نقل شده عموماً در دایره‌ی معینی از زمان و مکان قرار دارد، مثلاً اگر حضرت عیسی (علیه‌السلام) در گاهواره سخن می‌گوید یا اینکه موسی (علیه‌السلام) از دریا می‌گذرد این امور خارق‌العاده در مدار معینی از زمان و در برابر عده‌ی خاصی صورت گرفته، بنابراین برای کسانی که شاهد و ناظر این جریانات نبودند، جنبه (حسی) نداشته است. اما قرآن این دو اشکال دایره‌ی محدود زمانی و مکانی را نداشته، ما از قرآن همانطور استفاده می‌کنیم که یاران پیغمبر استفاده می‌کردند؛ بلکه گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش به ما امکاناتی داده که بتوانیم استفاده‌ی بیشتری از آن نسبت به مردم اعصار گذشته بنمائیم. همچنین فاصله‌های مکانی نمی‌توانند تأثیری در وضع اعجاز قرآن داشته باشند، کسانی که در حجاز زندگی می‌کردند به قرآن نزدیکتر از کسانی که در ایران و روم زندگی می‌کردند، نبودند.

← معجزه روحانی

امور خارق‌العاده‌ای که از پیامبران گذشته دیده شده، معمولاً جنبه‌ی جسمانی داشته است. زنده کردن مرده، شفای بیماران غیر قابل علاج و... و همه جنبه جسمی دارند. و در حقیقت، چشم و گوش انسان را تسخیر می‌کنند. ولی الفاظ قرآن که از همین حروف و کلمات معمول ترکیب یافته آنچنان معانی بزرگ در بردارد که در اعماق دل و جان انسان نفوذ می‌کند. این معجزه‌ای است که تنها با مغزها و اندیشه‌ها و ارواح انسان‌ها سر و کار دارد.

← معجزه‌ای گویا

پیامبران پیشین همیشه همراه معجزات خود بودند و برای اثبات اعجاز آن‌ها مخالفان را دعوت به مقابله می‌کردند؛ در حقیقت معجزات آن‌ها خود زبان نداشت و گفتار ایشان آن را تکمیل می‌کرد؛ ولی قرآن یک معجزه گویاست. خودش به سوی خود دعوت می‌کند. لذا پس از وفات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) همچون زمان حیات او به دعوت خود ادامه می‌دهد.

نظرات مختلف علما در علم قرآن

دانشمندان و علمای علوم اسلامی در مورد علم قرآنی نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی دارند. گروهی از این علما معتقدند که تمام علوم و دانش بشری در کتاب آسمانی، قرآن نهفته است و این کتاب در برگزیده تمام اسرار و رموز علمی است که هنوز کشف نگردیده است. دسته دیگری از دانشمندان اعتقاد دارند که قرآن کتاب علمی چون فیزیک یا شیمی نیست بلکه کتاب هدایت و برنامه زندگی انسان‌هاست و علمی که در آن بیان گشته جهت نشان دادن درستی‌ها و بدی‌ها به انسان می‌باشد. در مورد اعجاز و محتوای قرآن، به طور کلی سه دیدگاه اساسی وجود دارد که به بیان این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

← دیدگاه اول

نگاه اول بر این اصل استوار است که قرآن منبع دانش علمی است. در عصر حاضر عده زیادی سعی می‌کنند آیت قرآن را بر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی معاصر تطبیق دهند. هدف اصلی این گروه این است که اعجاز علمی قرآن را در حوزه علم نشان دهند و به این ترتیب از یک طرف به پیروان مذاهب و مسالک دیگر عظمت و یگانگی قرآن را بنمایانند و از طرف دیگر مسلمانان را به داشتن چنین کتاب گران‌بهای مفتخر سازند. این دیدگاه، دیدگاه تازه‌ای نیست و دانشمندان عظیم‌الشان در گذشته نیز دارای چنین دیدگاهی بوده‌اند. این گروه از دانشمندان به آیتی که در آنها بخشی از علمی که بعدها کشف گردید استناد می‌کنند و اعتقاد دارند که این آیت که رمز و اسرار موجود در آنها بعد از گذشت قرن‌ها و کشفیات علوم جدید آشکار گردید نشان می‌دهد که در قرآن تمامی علوم بشر نهفته است و فقط انسان، قدرت و توانایی درک و تفسیر آن را ندارد که گذشت زمان و پیشرفت علم پرده از اسرار این آیت بر می‌دارد.

← نمونه‌ای از آیت

نظیر این آیت قرآن «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» و «وَالْقَمَرُ قَدَرًا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» و «وَاللَّهُ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ...». در واقع این آیت بخشی از علم نجوم را بیان می‌کند و حقیقت حرکت خورشید و ماه، کسوف و خسوف و شب و روز را کسی می‌تواند درک کند که هیئت ترکیب آسمان‌ها و زمین را بداند و این به نوبه خود دانشی است که در قرن‌های بعدی کشف گردید. یا آیه دیگری در مورد علوم پزشکی وجود دارد. در آیت ۶ الی ۸ سوره انفطار آمده است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَلَكَ فِي أَىٰ صَوْرَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ». ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود. در چنین آیتی تشریح بدن انسان به صورت ظاهر و باطن و عدد و انواع و حکمت و منافع آن بیان گردیده است و نشان می‌دهد که در قرآن مجامع علوم اولین و آخرین یافت می‌شود.

غزالی در کتاب **احیاء علوم الدین** آورده است که: «اگر کسی بخواهد به علوم اولین و آخرین دست یابد، باید در قرآن **تدبیر** کند.» همچنین او در کتاب دیگرش نوشته است: «ریشه‌های علوم اولین و آخرین از قرآن نشئت می‌گیرد.»

همچنین **جلال‌الدین سیوطی** در کتاب معروف «**الاتقان فی علوم القرآن**» در پی آن است که نشان دهد قرآن حاوی جمیع دانش‌هاست. وی با **توسل** به آیاتی نظیر: «مَا فَزَنَّا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» و «...نَزَلْنَا عَلَيْكَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...» **استدلال** می‌کند که قرآن علوم قدیم و جدید را در بر دارد. آن‌گاه می‌افزاید: کتاب خداوند عزیز همه چیز را در بر دارد. هیچ بخش یا مسئله اساسی از علوم را نمی‌توان یافت که در قرآن به آن اشاره نشده باشد. در قرآن جهت شگفت‌انگیز مخلوقات، ملکوت آسمان‌ها و زمین، اشیا بالآخرین بخش آفاق و اشیا زیر زمین، ابتدای خلقت و... یافت می‌شود.

علاوه بر این دانشمندان، علمای دیگر نیز وجود دارند که اعتقاد دارند نمونه‌ها و مثال‌هایی که خداوند در قرآن آورده است دربرگیرنده تمام علوم و دانش بشری است اما انسان‌ها قدرت درک و تفسیر آن را ندارند و با گذشت زمان و پیشرفت علوم بر آن آشکار می‌گردد.

← دیدگاه دوم

قرآن را کتاب **هدایت** انسان‌ها می‌داند. دیدگاه اول مورد **انتقاد** علمای متقدم و متاخر قرار گرفته است. آنان معتقدند قرآن کتاب هدایت اخلاقی، تربیتی و دینی است و نازل شده تا انسان‌ها را به سوی فضیلت‌ها و **خداشناسی** هدایت کند، تا از خرافه‌پرستی دور شوند و حقوق را به صورت کلی بیان کرده تا مردم با رعایت احکام الهی، زندگی سالمی داشته باشند و بر جهان‌شناسی و معرفت طبیعت، تکیه می‌کند تا رابطه انسان و جهان با خدا روشن شود و مردم معرفت بهتری به خدا پیدا کنند. بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را به تفصیلات و فرمول‌های آنها، بیان کرده باشد، بلکه سیر در **ملکوت** و تفکر در صنع الهی دارد، تا به هدف تربیت و **تزکیه** انسان‌ها، نایل شد و بعید نیست منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل دینی و هدایتی مردم باشد.

← نظریه معتقدین این دیدگاه

این دیدگاه معتقد است که در قرآن علوم و مسائلی بیان گردیده که بتواند نقشی در هدایت انسان‌ها به راه درستی و راستی داشته باشد. قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است و مسیر نیکوکاری و خیر را از راه زشتی و بدی‌ها تمیز کرده و به انسان‌ها نشان داده که با رعایت چه اصولی و معیارهایی بتوانند مسیر **سعادت** و خوشبختی دنیوی و اخروی را بیابند. در قرآن یک سری احکام الهی و قوانین دینی مورد نیاز برای زندگی اجتماعی انسان‌ها بیان گردیده و افراد با رعایت این اصول جامعه را به آسایش و آرامش واقعی آن می‌رسانند. هدف قرآن، تربیت معنوی انسان است و در این راه لازم نیست همه معارف تجربی و غیر تجربی را برای بشر بیان کند، چون انسان **عقل** و **احساس** دارد و خود می‌تواند مسائل تجربی و طبیعی را به دست آورد. به علاوه این علوم لازمه لاینفک تربیت معنوی انسان نیست.

← قول ابواسحاق شاطبی

ابواسحاق شاطبی در کتاب **الموقوفات**، تفسیر علمی را **انکار** می‌کند. وی یکی از مخالفان سرسخت دیدگاه اول است. او معتقد است که پیشینیان با تقوا و عالم قبل از ما، اطلاعاتشان درباره قرآن بیش از عالمان امروزی بود و آنها درباره این‌گونه علوم صحبت نکردند. این حاکی از این است که از نظر آنها قرآن حاوی چنین مطالبی نیست. بنابراین از دیدگاه این گروه، آیت و نمونه‌هایی که خداوند در قرآن از علوم دیگر آورده برای درک بهتر مطلب و برای بیان واضح‌تر بوده و آنها چنین آیاتی را به هدایت و سعادت انسان و **عبادت** و فرایض دینی ربط داده‌اند.

← دیدگاه سوم

دیدگاه سوم در واقع جمع بین دیدگاه اول و دوم است. گروهی از دانشمندان و **علماء** معتقدند **قرآن مجید** برای تدریس علوم و فنون زندگی که بشر قادر است با نیروی تفکر به آنها دست یابد، نیامده است و هرگز **پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** برای این مبعوث نشده است که علوم فیزیکی و شیمی و مسائل ریاضی و **نجوم** را بیاموزد. هدف نزول قرآن هدایت و رهبری بشر به سوی خدا و **رستخیز** و **فضایل اخلاقی** است، ولی گاهی قرآن ضمن رهبری بشر به مبدا و **معاد**، پرده از اسرار برداشته که قبل از تحول اخیر علمی، هیچ کس از آن آگاه نبوده است.

[1] روزنامه رسالت، شماره ۷۳۰۵، تاریخ ۱۴/۴/۹۰، ص ۱۸.

پانویس

۱. ↑ طباطبایی، سید محمّدحسین، شیعه در اسلام، ص ۹۵.
۲. ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۸۲.
۳. ↑ طباطبایی، سید محمّدحسین، شیعه در اسلام، ص ۹۷.
۴. ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۱۳.
۵. ↑ طباطبایی، سید محمّدحسین، اعجاز قرآن، ص ۱۶.
۶. ↑ طباطبایی، سید محمّدحسین، قرآن در اسلام، ج ۱، ص ۱۷۷.
۷. ↑ روزنامه رسالت، شماره ۷۳۰۵، تاریخ ۱۴/۴/۹۰، ص ۱۸.

